

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

مظاهر وحدت در جهان

آنکه در کشتی نشیند، بی خبر باشد ز حال هر غریق
تانگردد غرق در دریای وحدت، کی کند طی طریق
از عنایت، جلوه از حق می نماید، اتحاد معنوی
با خلوص نیتی، درک معانی کن، تو با فکری عمیق
انقیادی کن ز وحدت، تا بیاموزی دروس معرفت
این نشان مظهر نور ظهور است، حسابی بس دقیق
بعد ظلمت، روشنی آید بمانند شب و روز جهان
پس به اخلاق و صفات محسنه تجهیز شو مرد شفیق
انعکاس عشق اکبر، در اتم بین، تا کنی تصدیق ما
اشتیاقی برلقای^۱ حق بود معلول وحدت، ای رفیق
(لکترون) عاشق صفت گردد به دور هسته در قلب اتم
گر جدا سازند آنها را ز وحدت، آنچنان آرد حریق
بذرافشانی کند حشمت چو خور آندر طلوع صبحدم
هان به عزم استواری شو پی تحقیق، با قلبی رقیق

تأمین در کشتی

آن کس که در کشتی امن و امان نشسته است، از آن که در دریا غرق و مشغول دست و پا زدن است، خبر ندارد. مثلی است معروف که می گویند، سیر از گرسنه آگاه نیست و داستان گلستان را به خاطر دارید که غلامی از کشتی می ترسید و بی تابی می کرد و هر چه خواستند ساکتش کنند، فایده نبخشید. تا اینکه دانشمندی که در آنجا بود دستور داد او را در آب افکندند و بعد او را گرفتند. این بار چون مزه غرق را چشیده بود، وجود کشتی را مغتنم می دانست.

زمینه الهی وحدت

اگر زمینه الهی برای آموزش بشر فراهم نمی گردید. دنیای امروز نمی توانست، با سخن و تبلیغ، معنی وحدت را بفهمد. سوانحی که در دنیا اتفاق افتاده و جنگها و اختلافاتی که پیش آمده و دنیا را به حال غرق در باتلاق افکنده است، بهترین درس عملی برای بیدار ساختن بشر و آماده کردن او، برای قبول وحدت است.
امروز در دنیا دو حالت متضاد حکم فرماست، که بسیار عجیب است. از یک طرف، چون بر حسب مشیت الهی عالم به سوی وحدت پیش می رود، دنیای امروز هم از هر لحاظ و جهت به این حقیقت نزدیک می شود. اعمالی در راه توفیق و اتصال صورت می گیرد، که بسیار پسندیده است. مانند کوشش زمامداران ملل مختلفه برای توافق در کم کردن سلاح ها و جلوگیری از جنگ اتمی و میکروبی و ممانعت از آزمایشهای مضره هسته ای.

^۱ دیدار

^۲ خورشید

اما از سوی دیگر جرقه های اختلاف در نقاط مختلف جهان بروز می کند. به طوری که شیخ خطر را در مقابل چشمها مجسم کرده است. وحدت می گوید، که آن رشته اعمالی که به نفع اتحاد و اتصال است، ممدوح است و آنچه موجب اختلاف می باشد، مضر و ناشایسته و اگر زمامداران محترم و روشنفکر و بشر دوست دولتها، به جای اختلاف و جنگ همت خود را صرف ایجاد وحدت و اتحاد و جلوگیری از جنگ نمایند، بسی بهتر و نیکوتر خواهد بود.

ساعت H

فرانسویان مثلی دارند که وقتی یک امری ضرورت فوق العاده و آنی داشته باشد، آن را ساعت H می نامند و می گویند ساعت H فلان موضوع، فرا رسیده است. ما هم می گوئیم در دنیای امروز ساعت H وحدت فرا رسیده. زیرا اختلافات و تنازع و دشمنی در افکار که مستقیماً به زیان بشریت است، خطر بزرگی برای موجودات جهان به شمار می رود.

تعصب در افکار

اگر متمسکین و طرفداران مرامهای گوناگون، درست فکر کنند، می بینند، به مطالب کوچک فرعی بی ارزشی، تعصب یافته اند و در اصول با یکدیگر اختلافی ندارند و با دقت و تعمق خواهند دید، که همه طالب یک هدف و روان به سوی یک مقصدند. منتها راه های مختلف و وسایل نقلیه مختلفی اختیار کرده اند. آیا سزاست، افرادی که به یک مقصد روانند، ولی از راه های مختلف می روند، با هم مبارزه نمایند؟

آیا بهتر نیست که راه الهی مستقیم و کوتاه جستجو کنند و دریابند و نیروی خود را صرف رفاه و آسایش جهانیان نمایند.

اختلافات دینی

اختلافات دینی و عقیده ای با این که در اثر پیشرفت علمی بشر و ضعف کلی ادیان، کم و ضعیف گردیده، هنوز به قدرت و قوت خود باقی است و گاهی با نهایت شدت، بروز می کند. هنوز در تخیل اکثریت مردم جهان، نظر کینه و بغض و نفرت و نجاست، نسبت به پیروان سایر ادیان برقرار است. هنوز در هندوستان فرقه ای از ابناء بشر را که مثل همه مردم روح و جسم دارند، نجس می دانند و به آنها دست نمی زنند و اجازه نمی دهند، که شغل آنها را اشغال کنند، بلکه باید به پست ترین کارها پردازند. هنوز پیروان یک دین به پیروان ادیان دیگر، به نظر یک فرد عجیب و غریب، مانند یک حیوان یا یک موجود شیطانی و خارق العاده نظر می کنند.

وضع فکری بشر

منتسکیو، عالم شهیر اجتماعی فرانسوی، در کتابی به نام «نامه های ایرانی»، که به بهانه مکاتبه یک ایرانی مقیم پاریس، با یک ایرانی مقیم ایران، بسیاری اشتباهات اجتماعی عهد خود را بیان می سازد، در یک جا چنین می گوید، که ایرانی مزبور توسط یکی از دوستان فرانسویش به یک نفر فرانسوی دیگر معرفی شد. وقتی که شخص مزبور گفت: «این آقا ایرانی است»، طرف با نهایت تعجب اظهار داشت: آقا ایرانی است، عجب! چطور ممکن است ایرانی باشد؟ فکر کوچک آن مرد نمی توانست، قبول کند، که غیر از فرانسویان کسان دیگری هم در دنیا هستند. همین طور افرادی که به یک دین معتقدند، نمی توانند قبول نمایند، که دیگران که به آن دیانت معتقد نیستند، آنها هم جزء طبقه انسان و مخلوق خداوند سبحان هستند.

غرق شدن دنیا در این گونه اختلافات، که اشاره ای به آن شد، به خاطر آن است، که قدر وحدت را بشناسید. همانطور که آن غلام پس از افتادن در آب قدر کشتی را دانست.

از این سوی مسئله که نظر کنیم، می بینیم، قدر این وحدت را نیز کسی می شناسد، که در آن کاملاً وارد شود و در حقیقت در معنی آن غرق شود و لذت آن را بفهمد و آنرا آزمایش کند و الا با شنیدن توصیف و تعریف دورادور نمی توان به حقیقت پی برد، مگر به وحدت بیوندد، و آنرا سرمشق زندگی خود سازد.

تفکر در مجموعه مخلوقات

اینک این حقیقت بزرگ را در معرض افکار روشنفکران دل آگاه قرار می دهیم و می گویم: به همه مخلوقات بنگر که در عین حال که دارای جسم اند، اما به خود قائم نیستند و تا نیرویی به آن ها فیض ندهد، به جنبش و زندگی نمی افتند. در عالم مادیات هم همین

حکم جاری است. مثلاً در دنیا، هواپیما زیاد است و ممکن است صدها هزار عدد از آن در سراسر جهان وجود داشته باشد، که هر کدام به تنهایی، هواپیمایی مستقل مشاهده می شود، اما اینها به خود قائم نیستند. حرکت آنها در اثر سوخت (بنزین) می باشد. پس این هواپیماها که ظاهراً جدا هستند، از لحاظ نیروی حرکت و زندگی و سوخت به هم متصلند، زیرا از یک منبع فیض برخوردارند. اجسام عالم همه همین حکم را دارند و در عین جدایی و تنوع و اختلاف ترکیب و شکل و رنگ و هیئت و اندازه، نیروی محرکه همه آنها روح است، که می توان آن را انرژی، قدرت یا حرکت خواند و تغییر نام، در ماهیت آن تغییری نمی دهد. این است، که از لحاظ فیض معنوی هم، به هم پیوسته اند. این بود اتحاد معنوی همه موجودات و اشیاء عالم، که جلوه ای از عنایت حق می باشد، که اگر با خلوص نیت و تمرکز و توجه در این باره، تفکر عمیق و موشکافی نمایی، درک خواهی کرد.

نه تنها از لحاظ روح، بلکه اجسام عالم از لحاظ عناصر هم به هم پیوسته اند و همان عناصر در همه، بیش یا کم وجود دارند. از لحاظ ذرات و هوا و عوامل جوی هم، به یکدیگر پیوسته اند. زیرا همه از اتم ترکیب یافته اند. پس بگویید، جدایی کجاست و چطور می توان آنها را جدا دانست؟ کدام قدرتی است، که بتواند بین آنها جدایی بیفکند یا جدایی بین آنها تصور کند؟

درس معرفت

این است دروس معرفت، که از ناحیه وحدت بیان می گردد و کسی که می خواهد، از این دروس نتایج درخشان بگیرد، بایستی با فکر و عقل و تدبیر، اطاعت و انقیاد را هم پیشه سازد. زیرا با سرکشی و خودبینی، هیچ کس موفق به ازدیاد دانش خویش، نخواهد گردید.

توجه به این حقیقت، موجب پدیدار شدن روشنایی است و این روشنایی نشانی از روشنایی کل عالم است، که در دنیا ظاهر می گردد و در واقع مظهر ظهور است، که با حسابی دقیق معین شده و با سرنوشت عالم توارد و تطبیق دقیق پیدا کرده است. این قاعده دنیا است، که بعد از هر تاریکی روشنی به وجود می آید و این درس را از شب و روز کره زمین می توان گرفت، که همیشه شب آستن روز است. یکی از شعرا می فرماید:

در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است

در یأس امیدواری است

بنابراین کسانی که از ظلمتهای اخلاقی جهان دچار یأس شده، دل به نومیدی داده و می گویند، دیگر اصلاح نخواهد شد و روز به روز دامنه فساد و خرابی بیشتر می شود و هیچ امیدی به بهبودی نمی توان داشت و کار از کار گذشته و جهان رفته رفته بیشتر به سوی تاریکی می رود، باید خوشبین باشند و بدانند، که خداوند جهان را به خود وا نگذاشته و زمام آنرا رها نکرده و قدرت حضرتش بالاتر از این است، که بگذارد فساد، پیکره جهان را فاسد نماید. مشیت الهی بر این است که این ظلمت ها و نورها را پشت سر هم ظاهر کند، تا عبرت جهانیان باشد. خواست خداست، که بعد از شب تاریکی، روز روشن پدید آید. بعد از غم و حزن، شادمانی و سرور، ایجاد کند و بعد از خرابی آبادانی آورد.

چرا نومید باشیم

این قاعده کلی جهان هستی است و به هر کجا بنگرید، مظاهر آنرا می بینید و استثناء ندارد. پس چرا نومید باشیم و دل به یأس بسپاریم. وظیفه ما این است، که اکنون که جهان دوران ظلمت را گذرانده و لاجرم وارد روشنایی می شود، با خرسندی و سرور و آغوش باز خود را برای این دوران ظهور تابناک، آماده سازیم. همانطور که پس از خواب شب از بستر خمودگی بر می خیزیم، نماز می خوانیم، ورزش می کنیم، شستشو و استحمام می نماییم و خویشتن را برای زندگی روز تازه ای آماده می سازیم.

بلی، پس از شب تیره نیز بایستی برای روز روشنی که در پیش است، حاضر شویم و حاضر شدن ما به این ترتیب است، که خود را با اخلاق حسنه مجهز سازیم. اگر دیگران خود را با اسلحه مخرب و خانمان برانداز و برادر کش، تجهیز می کنند و برادران نوعی را دشمن می شمارند، ما خود را با سلاح اخلاق، محبت، انسانیت، وحدت، دوستی، مدارا، صفا و صلح، مجهز می کنیم و آن قدر بر این تجهیزات الهی می افزاییم، که نیروی ما در هنگام طلوع روز روشن، بسیار ارزنده و قوی خواهد شد.

قدرت اسلحه طرف را می کشد و پیش می رود، اما نیروی ما دشمن را، دوست می کند و هر قدم که جلو می رود، بر قدرت اتحاد و محبت خود می افزاید و با پیوستن دل‌های بیشمار دوست و دشمن لحظه به لحظه قوی می گردد و همچنان بر قدرت خود می افزاید و باز هم قویتر می شود تا جایی که با قدرت وحدت نورانی خود تمام دل‌ها را تبدیل به یک نیروی واحد، که هیچ سلاح مخربی یارای مقاومت در برابر آن نیروی عظیم نخواهد داشت، می سازد.

ادیان الهی که امروز قدرتهای پراکنده ای هستند، به هم متصل شده، نیروی عظیمی در طریق خداشناسی و خداپرستی به وجود خواهند آورد و خدا شناسان را تحت الشعاع قرار خواهند داد.

ای یاران وحدت و عزیزان من، این است، سلاح معنوی شما و قدرت روحی پاکیزه ای که حاصل خواهید نمود.

عشق اکبر عالم

بدانید که تقدیر و اجبار و عشق اکبر عالمی است، که اتم‌ها را مبتلا به محبت کرده است. گردش الکترونها، به دور هسته برای چیست؟ گردش کرات، به دور شمس خود به چه منظور است؟ این همه گردش‌ها که از ذره تا افلاک انجام می شود، به چه مقصود صورت می گیرد، همه اینها انگیزه عشق است.

نیروی شگرف

پس از این که به نیروی شگرف عشق پی بردید، آن وقت قانع خواهید شد، که عالم بر مدار عشق استوار شده و حرکت کلیه موجودات عالم، به خاطر لقای حق و ملاقات و وصل است.

درس اتم

گردش اجزاء اتم بر دور هسته و گردش کرات به دور یکدیگر، که بشر امروز به نیروی علم و تجربه دریافته است، درس بزرگ اخلاقی و معنوی نیز به شمار می رود. این درس با صدای رسا به ما می گوید، که افراد بشر نیز بایستی مانند اجزاء اتم به دور یکدیگر مشتاقانه بگردند و دایره محبت را حفظ نمایند و از نفاق و جدایی بپرهیزند. در این صورت است، که با فطرت و طبیعت عالمی، هم آهنگ خواهند بود. بر عکس، اختلاف و جدا شدن آنها از یکدیگر به منزله جدایی اجزاء اتم از یکدیگر است، که ایجاد بمب وحشتناک و خانه برانداز اتمی خواهد کرد.

این، پندی است، که به ما می آموزد، که باید بین عالم بشریت، همیشه وحدت و یگانگی و صمیمیت برقرار باشد. هرگاه از یکدیگر جدا شوند، همان حال اتم‌های بمب اتمی را پیدا خواهند کرد. این است حقایقی، که طلیعه‌ها و نور پاشیهای مقدماتی و اولیه آن، که مانند طلوع آفتاب در هنگام بامداد است، بیان گردیده و امید است، با عزمی استوار و تصمیمی راسخ در پی تحقیق برآیی، تا حقیقت را دریابی و به وحدت نوین جهانی چنگ زنی، تا کامیاب گردی.

طرز تحقیق

در اینجا لازم است نکته ای را تذکر دهم، که در هر امری، ولو تحقیق علمی یا اخلاقی یا فلسفی، در عین استواری عزم و قدرت تصمیم، بایستی قلب رقیق داشت. یعنی از خشونت و آزار، ولو به عنوان علم خودداری کرد. نه مانند کسانی که حیوانات را زنده تشریح میکنند، یا در تبلیغ اخلاقی خشونت و سرزنش‌های تند به خرج می دهند. مخصوصاً این درس عبرتی است، برای آن دانشمندان که به خاطر تحقیقات علمی موجودات را زنده زنده تشریح می نمایند یا در معرض شوکهای برق و آزارهای مختلف قرار می دهند. آیا این‌ها قلب آهنین دارند و رقتی به حال حیوانات بی گناه، که حق حیات در دنیا دارند نمی کنند؟ البته این‌ها مدعی هستند، که موجودات کوچکتر را باید فدای مصالح بزرگتر بشر و عالم ساخت. این درست است، ولی بایستی بکشوند، همان نتیجه را با طریق دیگری بگیرند، که موجب آزار حیوانات بی گناه و بی دفاع نشوند. وحدت چون همه موجودات را دوست می دارد، این عمل را شایسته انسانیت نمی شمارد. تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال.